

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید
Elnaz.2714@gmail.com

مافیای تخم مرغ

شهروند | مرز ۶۰ سالگی را پشت سر گذاشته و هنوز مثل روزهای نوجوانی و جوانی پرانرژی و اهل شوخی و خنده است. روزگار سختی را پشت سر گذاشته اما وقتی از آن روزها حرف می‌زند، لبخند از لبانش محو نمی‌شود و سخت‌ترین و تلخ‌ترین بخش‌های زندگی‌اش را هم با شوخی تعریف می‌کند؛ جدانشدن مادرش و تنهاماندنش با پدرش، ازدواج مجدد پدرش و... خیلی کوچک بوده و به مهر مادری محتاج بوده که پدرمادارش تصمیم به جدایی می‌گیرند و مادر برای همیشه ترکش می‌کند و برای رقم‌زدن سرنوشتی نو راهی تهران می‌شود و محمود و پدر در بابل‌سر می‌مانند. مادرش در تهران ازدواج می‌کند و بی‌خبر از محمود سرگرم زندگی‌اش می‌شود و صاحب چند دختری می‌شود و گویی پادشاه می‌رود برای اولین بار با محمود مادربودن را تجربه کرده است. «بیشتر مردم را با پدر بداخلاقم گذراندم؛ مردی سختگیر که هر چیز کوچکی بهانه‌ای می‌شد برای کتک‌زدن من، البته تنهاماندن پدرم هم خیلی طول نکشید و با خانمی زندگی جدیدش را شروع کرد و طی سال‌ها چند برادر به دنیا آمدند و این‌گونه شد که مادرم در تهران چند خواهر برایم به دنیا آورد و در بابل‌سر از پدر چند برادر نصیب شد تا خانواده پرجمعیتم در دو شهر متفاوت از هم شکل بگیرند.» محمود طی سال‌های نوجوانی بود که با پدر و برادرهایش راهی تهران شدند و در این سال‌ها به ندرت به مادرش سر می‌زد و در همان دیدوبازدیدهای هر از گاهی هم احساس می‌کرد مهری که مادر باید نسبت به او داشته باشد، وجود ندارد و نسبت به گذشته بیشتر ناامید می‌شد و حالا با ۶۴ سال سن، نامادری‌اش را بیشتر از مادرش دوست دارد. اگر چه هنوز هم هر از گاهی به مادرش سر می‌زند و از احوالش بی‌خبر نیست، البته رابطه‌اش با خواهرهایش خوب است و هنوز با آنها رفت‌وآمد دارد. زندگی محمود بالا و پایین به خود زیاد دیده؛ از کتک خوردن و فحش شنیدن در دوران کودکی تا سز نشدن به خاطر شیطنت‌هایش. «چه بانزلی‌ای بودم، همیشه به خاطر شیطنت‌هایم چه در مدرسه، چه در خانه مورد مواخذه قرار می‌گرفتم اما هیچ‌گاه تنبیه‌هایم، نخواست مانعی بر سر راه شیطنت‌هایم باشد و هنوز با این که سن‌وسالی را پشت سر گذاشته‌ام، کمی شیطنت دارم. زندگی همین است و نباید سخت گرفت.» محمود به سختی دیپلم می‌گیرد و هیچ‌گاه به ادامه تحصیل فکر نمی‌کند و وارد بازار کار می‌شود تا گلیمش را خودش از آب بیرون بکشد اما بارها رو شکست شد و دوباره به دست روی زانو گذاشت و بلند شد، با همان لبخند همیشگی و امیدی که در دلش زنده بود و باور داشت که روزهای خوب از راه خواهند رسید. محمود چندین بار عاشق شد اما عشق‌هایی که در نهایت به فلز شدن منجر می‌شود و بعد از مدتی به این نتیجه رسید که اینها عشق واقعی نیستند تا این که در دوران جوانی با زنی آشنا شد و سر سفره عقد نشستند اما در همان دوران متوجه بعضی رفتارهای عجیب او شد و در نهایت هر دو تصمیم به جدایی گرفتند. «ازدواج کردم هم مانند کار کردنم پر از تجربه‌های تلخ بود. من کارهای زیادی را تجربه کردم و حتی در برهه‌های تولیدی پوشاک داشتیم اما گویی بازار تیت کرده بود هر کجا محمود وارد کار شد، کسادی به سراغش بیاید تا جایی که منجر به ورشکستگی شود. اولین بار که فکر می‌کردم عشق واقعی‌ام را یافته‌ام، در همان دوران عقد به طلاق رسیدیم تا این که بعد از مدت‌ها با خانم دیگری آشنا شدم و توانستم زندگی مشترکم را شروع کنم، البته همسرم را از دست دادم و تنها ماندم و دو تا از پسرهایم سرسوارمان گرفته‌اند و حالا زندگی خودشان را دارند و یک پسر و یک دخترم با من زندگی می‌کنند.» محمود در زمینه کسب‌وکار هم بعد از شکست‌های متعدد اسم رسمی برای خود یافته و اطرافیان به او لقب مافیای تخم مرغ داده‌اند. محمود حالا چندسالی می‌شود که تخم‌مرغ‌های مصرقی قنادی‌های تهران را تأمین می‌کند و از هر قنادی معرفی در تهران بپرسید، محمود را می‌شناسد و از اخلاق خوب و خوشرویی‌اش برایتان می‌گوید. «دنیا آدم‌های بداخلاق را دوست ندارد. تا وقتی که می‌شود خندید و شاد بود، چرا اخم و غمه؟ زیبایی زندگی به بالا و پایین‌ها و تلخ‌وشیرینی‌هایش است، پس بهترین کار این است که زندگی را به کام خود و دیگران تلخ نکنیم.» چندی است محمود با تنهایی خداحافظی کرده و با زنی آشنا شده و حالا برای دختر خوانده‌اش با همان لبخند و خوشرویی همیشگی خاطر‌اتش را تعریف می‌کند.

واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می‌تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال پناه‌گیری را تمرین کنید.



لغور و ایدایان و صربستان و بازگشت آن، چه تاثیری بر سفرهای توریستی و تصمیم ایرانی‌ها بر پناهنده شدن یا مهاجرت داشت؟

ایرانیان در تور افغان‌های بلگراد

از ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی حدود ۱۱۰۰ ایرانی به صورت رسمی در صربستان درخواست پناهنده‌گی داده و این افراد به مراکز نگهداری پناهجویان انتقال پیدا کرده‌اند. کل تعداد پناهجویانی که از شروع سال ۲۰۱۸، از آسیا و منطقه خاورمیانه به این کشور پناهنده شده‌اند، به ۴ هزار نفر رسیده است.

لیلا مهداد | «میکسالیسته» نخستین ایستگاه اعلام پناهنده‌گی صربستان در بلگراد است که تا همین چند وقت پیش هتل‌ها و آپارتمان‌هایش پر بود از توریست‌هایی که تنها با انگیزه پناهنده‌گی یا مهاجرت راهی بلگراد شده بودند؛ توریست‌هایی از ایران، سوریه و افغانستان. شهر یور ۹۶ بود که دولت صربستان برای توسعه گردشگری و تسهیل سفر سرمایه‌گذاران بالقوه تصمیم گرفت روادید را برای توریست‌های ایرانی حذف کند؛ تصمیمی که بیشتر کشورهای گرجستان، عمان، اندونزی، مصر و مالزی آن را اجرا کرده بودند. اجرایی شدن لغو روادید برای ایرانیان مصادف شد با افزایش بی‌سابقه تقاضای مسافران به صربستان تا جایی که از اسفند ۹۶ شرکت هواپیمایی «ایران ایر» نخستین پرواز مستقیم تهران - بلگراد را برقرار کرد و خیلی زود تا تیر ماه ۹۷ همه پروازها زرو شد تا جایی که شرکت‌های هواپیمایی دیگر هم برقراری پرواز مستقیم تهران به بلگراد را در برنامه‌هایشان قرار دادند. ماجرا اما به این جا ختم نشد و گروهی مسیر بالکان را در پیش گرفتند، تا خود را به آلمان یا فرانسه برسانند یا در همان صربستان درخواست پناهنده‌گی دادند، تا صربستان با مشکل افزایش مهاجران روبه‌رو شود؛ مشکلی که برای نخستین بار گوردان پانویچ از سازمان «پنفو پارک» - سازمانی برای کمک به پناهجویان - به دولت صربستان گوشزد کرد و در نهایت منجر به برگشت شرط ویزا برای مسافران ایران شد.

«پارک افغان» محلی که وجود خارجی نداشت

«احمد» و همسرش با لغور و ایدایان به عنوان مقصد بعدی سفرشان انتخاب کردند، تا بلگراد را هم در فهرست بلندبالای شهرهایی که به آنها سفر کرده‌اند، قرار بدهند. نخستین نکته‌ای که احمد در مورد سفرشان به صربستان تعریف می‌کند، حضور تعداد زیاد توریست‌های ایرانی است: «در این سفر ایرانیان زیادی را دیدیم که مجردی یا با خانواده‌های این کشور شده بودند و دیگر به برگشت فکر نمی‌کردند. این کشور در مرکز شینگن قرار دارد، به همین علت برداشتن ویزای این کشور بهترین فرصت را برای کسانی که قصد مهاجرت داشتند، فراهم کرد.» احمد در مورد توریست‌های پناهنده می‌گوید: «در صربستان تعدادی از خانواده‌های ایرانی آشنا شدم که همه اموالشان را فروخته و راهی صربستان شده بودند؛ خانواده‌هایی که بعضی از آنها ساکن صربستان شده بودند و قصد سفر به کشورهای دیگر را نداشتند، البته عده‌ای هم بعد از چند وقت گشتن در صربستان و یاد گرفتن چرخ‌چوم مهاجرت، یکی از کشورها را به عنوان مقصد انتخاب می‌کردند یا بسواد قطار یا هواپیمای می‌شدند و به سمت کشور مقصد می‌رفتند.» البته او معتقد است که توریست‌هایی از این دست کمتر دچار مشکل می‌شوند و به راحتی می‌توانستند به مقصد مورد نظرشان برسند: «به ندرت این افراد برگشت می‌خورند و بیشترشان پناهنده می‌شدند. بیشتر این افراد با تور سفر نمی‌کردند و به‌شخصه بلیت هواپیمای تهیه می‌کردند و برای این که باعث شک کسی نشوند، در صربستان هتل هم رزرو می‌کردند، تا ثابت کنند برای سفر توریستی آمده‌اند.» احمد در کنار ایرانیان توریست‌هایی از سوریه و افغانستان را هم دیده که به قصد پناهنده‌گی راهی بلگراد شده بودند: «هر مسافر بدون ویزا می‌تواند ۳۰ روز در صربستان بماند. در میان مسافران سوریه‌ای‌ها و افغان‌ها هم به چشم می‌خورد، اما چهره ایرانی‌ها مشخص است و بیشترشان را جوانان تشکیل می‌دهند؛ جوانانی که با رویای زندگی بهتر پناهنده‌گی را به جان می‌خرند.»

یک تور لیدر به «شهروند» می‌گوید: «در ابتدای سفر ایرانیان به صربستان، شاهد فرار مسافر نبودیم. تا اوایل تابستان امسال یعنی ۲۰ خرداد به بعد با این افراد در هتل دیدیم نمی‌شدند.» بیشتر تور لیدرهایی که به صربستان مسافر می‌برند نام «پارک افغانی» را شنیده‌اند: «بیشتر مسافران ایرانی را افغانستانی‌ها از مرز رد می‌کردند و نام پارک افغان‌ها در میان کسانی که به قصد پناهنده‌گی راهی صربستان شده بودند، شنیده می‌شد؛ محلی که اصلاً وجود خارجی ندارد. بعضی از توریست‌های ایرانی حتی برای این که پناهنده شوند پاش‌شان را پاره یا اعلام می‌کردند پاش‌شان گم شده، بدون این که به این نکته توجه کنند که در صورت پاره شدن پاش، اگر کشوری پناهنده‌گی را قبول کند، مسأله منتفی است، در غیر این صورت مشکلات متعددی پیش خواهد آمد.» طباطبایی لغور و ایدایان موقعیت جغرافیایی صربستان در کنار قانون پس دادن پاسپورت به مسافران را

گذشته را نادان‌زی کردند و استقبال مسافران خیلی خوب بود. در حقیقت باید بگویم استقبال بی‌سابقه بود.» بلافاصله پس از این تصمیم، نخستین گروه‌ها از ایران با پاسپورت‌هایی جعلی در حالی راهی این کشور شدند که انگیزه‌های غیر از گردشگری داشتند و سفرشان همزمان با اجرای لغو روادید در این کشور، در سه‌راهی را برای ایران درست کرد که هنوز پس‌لرزه‌های آن دامنگیر گردشگران واقعی ایرانی است. طباطبایی ادامه می‌دهد: «کنته قابل تأمل این بود که در ابتدای سفر ایرانیان به صربستان، شاهد فرار مسافر نبودیم. تا اوایل تابستان امسال یعنی ۲۰ خرداد به بعد با بالا و پایین شدن ارز و دادن ارز دولتی به مسافران تورها، با حجم وحشتناک مسافران صربستان روبه‌رو بودیم که در میان آنها متأسفانه گروهی با این انگیزه که هیچ‌گاه به ایران برنگردند، راهی صربستان می‌شدند. در میان این گروه جوانان، افراد مجرد و متاهل و حتی خانواده‌هایی که فرزند کوچک داشتند دیده، می‌شد. بعضی از این توریست‌ها به محض رسیدن به صربستان در هتل‌ها اتاق تحویل نمی‌گرفتند و در پاسخ دلیل این کار می‌گفتند ما نمی‌مانیم، البته بعضی‌ها هم شب اول را می‌ماندند و از روز دوم دیگر در هتل دیده نمی‌شدند.» بیشتر تور لیدرهایی که به صربستان مسافر می‌برند نام «پارک افغانی» را شنیده‌اند: «بیشتر مسافران ایرانی را افغانستانی‌ها از مرز رد می‌کردند و نام پارک افغان‌ها در میان کسانی که به قصد پناهنده‌گی راهی صربستان شده بودند، شنیده می‌شد؛ محلی که اصلاً وجود خارجی ندارد. بعضی از توریست‌های ایرانی حتی برای این که پناهنده شوند پاش‌شان را پاره یا اعلام می‌کردند پاش‌شان گم شده، بدون این که به این نکته توجه کنند که در صورت پاره شدن پاش، اگر کشوری پناهنده‌گی را قبول کند، مسأله منتفی است، در غیر این صورت مشکلات متعددی پیش خواهد آمد.» طباطبایی لغور و ایدایان موقعیت جغرافیایی صربستان در کنار قانون پس دادن پاسپورت به مسافران را

عواملی برای سهولت پناهجویی در صربستان می‌داند: «یکی از مسائلی که به سهولت پناهنده‌گی دامن می‌زد، این بود که بعد از تابستان به هتل‌ها اعلام شده بود از پاسپورت‌ها اسکن گرفته و اصل پاسپورت را عودت بدهند و اصل ما هم نتیجه‌ای نداشت، چون نگه داشتن پاسپورت جرم محسوب می‌شد. در میان مسافران ایرانی که به قصد مهاجرت راهی صربستان شده بودند، عده‌ای قصد برگشت داشتند و حتی با تاور تماس می‌گرفتند و می‌گفتند پشت مرز کرواتسی مانده‌اند و نمی‌دانند چه کار کنند و تنها راهنمایی‌ای که ما می‌توانستیم داشته باشیم این بود که به سفارت ایران مراجعه کنند.»

«فاطمه لطفی»، راهنمای گردشگری در این باره به «شهروند» می‌گوید: «بیشتر متقاضیان صربستان، توریست بودند و می‌خواستند با تور سفر کنند و به ندرت متقاضی تک‌ویزا داشتیم، من در بخش ویزا

فعالیت می‌کردم و بیشتر افرادی که در مورد نحوه سفر به صربستان پرس‌وجو می‌کردند، جوانان بودند و خانواده‌ها بیشتر به‌عنوان توریست به این کشور سفر می‌کردند، البته

دادن ارز مسافرتی هم در بالا رفتن متقاضیان تأثیر داشت و با برگشت شرط ویزا، مقاصد سفر متقاضیان به سایر کشورها تغییر کرده است.»

تعداد بالای پناهجویان تا جایی پیش رفت

که بحث‌های بسیاری را برانگیخت تا جایی که

حرم‌الله رفیعی، رئیس هیأت‌مدیره انجمن صنفی

دفاتر خدمات مسافرتی هم موجی از سفرهای بدون

بازگشت که به صربستان راه افتاده را تأیید کرده و گفته است:

«این موج یک تب موقت است که بنابه تجربه پیش‌بینی می‌کنیم پایدار

نباشد، چون این افراد وقتی به صربستان بروند و ببینند نمی‌توانند در آن جا

اقامت داشته باشند یا از راه این کشور به اروپای غربی مهاجرت کنند، دیگر سودای

هرسال پرندگان مهاجر در فصل سرما یکی از رودخانه‌ها یا آبگیرهای مناطق گرمسیر را برای گذران این فصل انتخاب می‌کنند. رودخانه کارون هم در این فصل سال میزبان انواع کاکائو، حواصیل و ساکلان تا اواخر فروردین است.

کارون، میزبان پرندگان ماهیخوار



روایی که جان نداشت

آدم‌هایی که رویای زندگی در اروپا را در سر می‌پروراندند، با لغو روادید صربستان رویای خود را دست‌یافتنی دیدند و برای همین در صف متقاضیان سفر به بلگراد شدند تا رویای‌شان را زندگی کنند. اما واقعیت‌ها چیزی متفاوت برای آنها ترتیب دیده بود. همه زندگی‌شان را فروخته‌اند تا بقیه عمرشان را در کشوری اروپایی بگذرانند اما حالا از آن زندگی لاکچری متصور کانسکی وجود دارد که در سرمای منفی ۱۱ درجه در مرز صربستان و کرواتسی باید روزگار بگذرانند؛ کانسکی‌هایی که نه سروس بهداشتی دارند و خبری از حمام و مواد شوینده هم نیست. در کنار این کانسکی‌ها چادرهایی کنار هم قد کشیده‌اند؛ چادرهایی که هر کدام سقفی برای حدود ۱۵۰ نفر از قومیت‌های مختلف شده‌اند، البته مهاجران در این سرما بخاری‌های خاموش را به نظاره می‌نشینند چون حتی برای روزی یک‌ساعت هم این بخاری‌ها روشن نمی‌شوند. حالا زیر این چادرها رویاها برپا درفته به‌منظر می‌رسند و جای خود را به هراس از بیماری‌های پوستی و بیماری‌های واگیردار داده‌اند، البته پناهجویان اعتراضاتی را هم ترتیب دیدند و در مرزها در اعتراض به وضعیت اسفبار خود تجمع کردند اما بی‌نتیجه مسیر چادرهای سرد را در پیش گرفتند. رد شدن از مرز کرواتسی هم در دسرها و خطرات مختص به خودش را دارد تا جایی که تعداد محدودی توانسته‌اند این مرز را پشت سر بگذارند، البته با به‌خطر انداختن جان‌شان. پناهجویانی که زیر کامیون یاروی لاستیک زاپاس کامیون‌های خود را پنهان کرده‌اند و اگر شرایط را توانسته باشند، تحمل کنند و گیر پلیس نیفتاده باشند بعد از ۱۰ ساعت حرکت کامیون و ماندن در آن شرایط به مقصد رسیده‌اند، البته آنهایی که چنین ریسکی را به جان نخریده‌اند، به قاچاقچیان رو آورده‌اند تا با دادن بخش زیادی از دارایی‌هایی که با خود برده بودند، آنها را وارد خاک کرواتسی کنند، البته اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، اگر گیر پلیس بیفتند، به قصد کشت کتک می‌خورند، گوشی‌های موبایل را می‌شکنند و سیم کارت‌ها را می‌سوزانند و به گفته خود پناهجویان حتی پول‌ها را می‌زدند و در نهایت به مرز صربستان برگردانده می‌شوند.

سفر به صربستان نخواهند داشت و این تب هم فروکش می‌کند.»

یکی از مواردی که در مورد آن حاشیه‌های بسیاری به وجود آمد، سرگردانی مسافران ایرانی در فرودگاه‌های صربستان بود که «برنا» با استناد به منبع آگاه در این مورد این‌طور گزارش داده است: «تنها تعدادی از اتباع ایرانی به دلیل نقص مدارک مانند همراه نداشتن بلیت برگشت، نداشتن رزرو هتل و داشتن گذرنامه جعلی از سوی پلیس از ورودشان جلوگیری شد و با اولین پرواز به ترکیه بازگردانده شدند.»

